انجنیر سید مختار دریا

۱٤ جنوری ۲۰۲۱

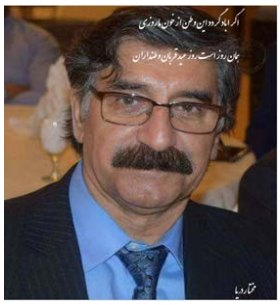

مختار دریا

ماش خصلتان

ای مـاش خـصـلـتـان کمکی دیده وا کنید ایـن درد های مـلـت مـا را دوا کـنـیـد
تـا کـی بـرروی خـون شـهـیـدان نـهـید پا یک بـار هـمـچـو تـیـرۀ مردان صدا کنید
از خون خلق کوی ودر و جاده سرخ شد بـهـر خـدا ز جـرم و جـنـایـت ابـا کنید
وجـدان اگـر چـه مـرده درون وجود تان یـک ذره ای کـه مـانده دراینـدم حیاء کنید
دشـمن درون خانـۀ تان رخنه کرده است دیـوار هـمـدلی و اخـوت بـنـا کـنـیـد
یغما وغدرو چور وچپاول بس است بس این ملک در شکسته، به حالش رها کنید
بـا تـیـغ خـشـم مـردمـی و هـمـدلـیِ تـان آن سر که داشت فکر خـیـانت جدا کنید
چون همپذیر و، ما شده در عرصـۀ نبرد تـیـری بـه قـلـب دشـمـن مـیـهن رها کنید
بـرقـلـه هـای شـامـخ بـابـا و هـنـدوکـش پـرچـم بـلـنـد کـرده جـهـان را صـدا کنید
یکرنـگ خون و زادۀ این خاک و میهنید خود را زبهر خلق خود،حاجت روا کنید
دریا به جست وجوی همان کوچه ها بود اورا بـه کـوچـه هـای وطـن آشـنـا کـنـید

مختار دریا۱۱ جنوری ۲۰۲۱ کانادا